



واژه

تیر و تیشتر

بنامندرجات «تیریشت» یک شب بادو شب یا پنجاه شب در آسمان جلوه گری مینماید تا در اوایل ماه آبان پس از برگرفتن آب از دریای «فراخکرت» (۱) شروع به باریدن نموده و زمین را که از گرمای سوزان تابستان چاک چاک گشته و گیاه و نباتاتی که در اثر بی آبی پژمرده و خشک گردیده اند از نو سیر آب می سازد.

تیریشت یاشت هشتم که بنام این فرشته معروف است بطرز شاعرانه و دلفریبی تیشتر را در مراحل مختلف جلوه گری کمریف وزدو خورد این فرشته را بادبو اپوش apaush که دیوقحطی و خشکسالی و رقیب اوست بیان میکند. در آسمان ها و بین اجرام سماوی نیز چون این جهان مادی مبارزه بین خوبی و بدی حکمفرما میباشد.

مندرجات تیریشت نمونه بارزی از نبرد بین اختران نیک و ستارگان نحس بوده و بخوبی جنگ تشبیهی ستارگان را نشان میدهد. گذشته از دیو اپوش یا دیو خشکسالی که در تیریشت رقیب بزرگ فرشته بارندگی یعنی تیشتر نام برده شده است مابین اجرام سماوی بریانی موجود اند که بشکل ستارگان دنباله دار از نیمه آخر امرداد تا نیمه آخر آبان در آسمان دیده میشوند این ستارگان دشمن

چهارمین ماه هر سال شمسی و سیزدهمین روز هر ماه زرتشتیان بنام تیر معروف است و در اصل تیشتر میباشد که ایزد و نگهبان بارندگی و فراوانی ارزاق است و هیچ وجه تشابهی بین تیر و تیشتر در معنی وجود ندارد زیرا تیر از واژه اوستایی تیغری Tighri است که بمعنی سرونوک میباشد (کلمه تیغ بمعنی قله و تیر بمعنی سهم نیز از این واژه مشتق است) در صورتی که تیشتر در اوستا تیشتریه Tishtrya و در پهلوی تیشتر Tishtar آمده و بمعنی ستاره ایست که با بارندگی رابطه دارد. اروپائینها این ستاره را سیر یوس Cirius نامند و زمخشری در مقدمه الادب خود این ستاره را «شعربانی» و ابوریحان بیرونی در کتاب التفهیم آن را «کلب الجبار» ذکر کرده اند در بندهش نیز بین تیر و تیشتر کاملاً فرق گذاشته شده است

واژه تیشتری Tishtryeni که با ستاره تیشتر ذکر شده است در معنی جمعی از ستارگان را گویند که بتیشتر نزدیک میباشد و ستاره تیشتر در رأس آن ها قرار گرفته است بدین جهت بلو تارک مینویسد «هورمزد، سیر یوس (تیشتر) را نگهبان و باسبان سایر ستارگان قرارداد.» تیشتر ستاره ایست درخشان که در ماه تیر طلوع نموده و در اواخر همین ماه طرف صبح در مشرق آسمان دیده میشود و بعد نیز بتفاوت

(۱) عده ای آنرا خلیج فارس و عده ای دریای مازندران دانند.

تشر محسوب و با کمک دیو ابوش مانع از ریزش باران میگردند
تیریش ت میگوید که جنک با شدت هر چه تمامتر شروع شده و فرشته تشر حمله را آغاز مینماید ولی در وهله اول تاب مقاومت در مقابل دشمن را نداشته شکست میخورد (این همان موقعیت که تابستان با حرارت سوزان گیاه و نبات را خشک و پژمرده ساخته و اثری از بارندگی با وجود جلوه گری ستاره سیر یوس مشاهده نمیگردد) نبرد برای دومین بار شروع میگردد و فرشته تیر که پس از شکست در دفعه اول بسوی دریای فراخکرت روی آورده بود با ذخیره آبی که از دریای مزبور بر گرفته است دیو ابوش یا دیو خشکسالی و قحطی را شکست سختی داده و دنیارا از باران رحمت خویش سیر آب میسازد بنا ببینو خورد (یکی از کتب بهاوی) سه شبانه روز جنک بین فرشته تشر و دیو ابوش ادامه دارد و این مدت همان است که پیش از بارندگی انقلاب در هوا و گرفتگی و تیرگی در آسمان دیده میشود گساهی برق میدرخشد و زمانی رعد میغرد تا بالاخره گرز آتشین بر فرق خصم فرود آمده فرشته باران بیروز می گردد .

با اختراع قنات و کندن کاریز و آباد کردن زمین بوسیله کشت و زرع همت گماشتند و در اثر جدیت و پشتکار توانستند در اندک مدتی سر زمین خشک و بایر ایران را چون گلستانی خرم و آباد سازند که مورد رشک کشورهای همجوار قرار گیرد.
همین حس احترام نسبت بفرشته تشر و ناهید ایرانیان قدیم را بر آن داشت که از آلوده ساختن آب بکثافات خودداری نه - آیند چنان که هرودت مینویسد « ایرانیان در میان رود بول نمیکنند در آب تف نمیاندازند ، در آن دست نمیشویند اگر دیگری بخواهد آن را بکثافات آلوده کند مانع می شوند . »

گذشته از ستاره تشر در تیریش از سه ستاره دیگر نام برده شده است که با فرشته باران همکاری مینمایند ستارگان مزبور عبارتند از ستوئیس Satavais یا بروین هفتتورنک یا هفت اختر (بنات النعش یا دب اکبر) و واند .

در هر کجای اوستا از تشر اسم برده شده فرشته باران اراده گردیده و با ستارگان نامبرده بالا ذکر شده است . در سیروزه بزرگ و کوچک (قسمتی از اوستا است) چهار ستاره مزبور را با هم نامبرده و آن ها را حامل نطفه آب و زمین و گیاه دانسته است (برای اطلاع بیشتر رجوع شود به یشتها جلد اول تألیف آقای پورداد)

ایرانیان چون فرشته باران را موجد فراوانی و خوشبختی میدانستند احترام و ستایش او را بر خود واجب شمرده و مطابق کرده (قسمت هشتم تیریش رفتار مینمودند « تشر ستاره بر نور و فروغ را می ستائیم که از طلوع خویش از برای مملکت سال خوش با سال بد آورد »

جشن هایی که در ماه تیر گرفته میشود عبارتند از :
۱- جشن اورمزد و تیرماه یا جشن آب ریزان
۲- جشن تیر و تیرماه یا جشن تیرگان
۳- جشن فصلی بنام کهنبار میدیوشم Maidyoshem که از روز ۱۱ تا ۱۵ اینماه برگزار میگردد (راجع

پس از غلبه تشر بر دیو ابوش باران شروع میشود دریا را بجوش و خروش در می آورد و آب سیل آسا در روی هفت کشور زمین پراکنده می گردد .

نکته ای که در تیریش جلب توجه مینماید اهمیت مخصوصی است که ستاره تشر داده شده چنان که در فقره ۵۲ اهورامزدا بزرگداشت سپنتمان میگوید « من تشر را مثل خود شایسته ستایش آفریدم بدلیل اینکه خوشی و خرمی و فراوانی ممالک دریائی از وجود تشر فرشته باران است . »

ایرانیان قدیم چون آب را مایه حیات و سرچشمه فراوانی و آبادانی کشور میدانستند نسبت ب ستاره تشر احترام فوق العاده قائل شده و برای کمک بفرشته باران در برانداختن دیو قحطی و خشکسالی

بکنهارها یا جشنهای فصلی در شماره های بعد بطور مفصل بحث خواهد شد.

۱- جشن آبریزان - این جشن در روز اول ماه تیر یعنی اورمزد و تیرماه برگزار میگردد این جشن را مربوط بواقعه تاریخی میدانند که بطور اختصار در اینجا ذکر میشود

گویند در زمان پادشاهی فیروز پدربقباد وجد انوشیروان عادل از سلسله ساسانی مدت هفت سال در ایران خشکسالی شد بطوریکه در اشدت مردم باران بخودندیدند و در ترس و وحشت عجیبی بسر میبردند پس ارفهت سال در روز اورمزد و تیرماه پروردگار بر بندگان خویش ترحم فرموده و باران سختی بارید و مردم را از نگرانی و بی آبی نجات بخشید ایرانیان بیاس یک همچو رحمت الهی و شکرانه باریتعالی این روز را جشن گرفته توانگران گلاب و بی نوایان آب بهم میریخته اند این سنت کهن هنوز در بین زرتشتیان معمول است منتهی بجای گلاب فقط آب بهم میریزند اینک طرز اجرای این جشن را مختصراً برای خوانندگان محترم شرح میدهم :

یکروز قبل از جشن خانه تکانی مختصر و نظافت بعمل میآید و صبح روز جشن پس از نظافت مجدد اما مختصر ظرفی را از آب و آویشن پر نموده و در آن سبزی یا اناری میاندازند و بامجمری از آتش که در آن چوب صندل و شعله میسوزد در گوشه حیاط خانه قرار میدهند سپس اهل خانه گلاب و آینه (۱) بهم داده با خوردن چای و شیرینی جشن را به یکدیگر تبریک میکنند و تمام روز را بسوز و شادی می پردازند.

سابق بر این مرسوم بود پدر و مادری که دخترشان تازه عروس شده بود در این روز شیر خرفه (خرفه را که گیاهی است کوبیده و عصاره آن را با شکر مخلوط کرده مینوشند) و شیرینی و کله قند و لباس کامل بمنزل عروس و داماد میبردند در آنجا از طرف عروس و داماد پس از دادن گلاب و آینه به پدرزن و مادرزن پذیرائی گرمی از ایشان بعمل میآمد این رسم امروز متروک گشته است.

منازلی که پرسه دارند (یعنی منازلی که یکی از اعضای خانواده شان تازه فوت نموده و دوستان و آشنایان برای طلب آمرزش روان فقید و عرض تسلیت بخانواده مزبور بآنجا میروند) نیز مانند خانه هایکه پرسه ندارند روز قبل از جشن عمل نظافت و گردگیری کامل خانه را انجام میدهند و صبح زود در روز جشن پس از انجام مراسم مذهبی و خواندن آفرینگان جشن که عبارتست از آفرین دهمن، کرده سروش و همزور دهمن (قسمت هایی از اوستا) اشخاصی که مایل باشند برای طلب آمرزش تازه روان بخانه صاحب پرسه میروند و هر یک دسته ای از گل یا شاخه ای از مورد یا سرو در محل مخصوصی که قبلاً تهیه شده و آب و آویشن و آتش و خوراکیهای مختلف و حلوا در آنجا قرار داده شده است میگذارند و آمرزش روح فقید را از خداوند مسئلت مینمایند بعداً هر یک کبی قهوه یا نبات خورده و باصرف یک فنجان چای بمنزل خود بر میگردند.

بلاوه عده از زرتشتیان در اینروز بر سر مزار مردگان خود میروند و پس از انجام مراسم مذهبی و طلب آمرزش ارواح در گذشتگان اگر دسترسی بآب روان داشته باشند بمناسبت فصل تابستان و گرما آب بهم دیگر میریزند و بسوز و شادی می پردازند.

چک و دوله - یکی دیگر از طرق تفریح در این جشن است و آن چنین است که یکروز قبل از جشن دختری که هنوز بسن بلوغ نرسیده ظرف دهان تنگی را بطوری که دست دختر آزادانه داخل و خارج شود از آب پر نموده و پارچه سبزی روی آن میاندازد و در منزل معینی (اینگونه مراسم در خانه های معین انجام میگیرد) آن ظرف را در زیر درخت مورد قرار میدهد در تمام این مدت دختری که ظرف را از آب پر نموده است باید ساکت باشد بعداً کلیه بستگان و نزدیکان و اهل محل هر کدام اشیائی نشاندار از قبیل سکه نقره یا مس یا نیکل و مهره و کلید و گمه و غیره را به دوشیزه مزبور میدهند تا در آن ظرف آب اندازد. البته هر کس هر چیزی در ظرف میاندازد آن را بنام

(۱) این رسم در تمام جشنهای بزرگ بین زرتشتیان مرسوم و تقریباً از واجبات است.

و شانس یکی از عزیزان و دوستان خویش یا بنام خودش یادداشت مینماید بطوریکه هر يك از اشیاييكه در ظرف آب است نماینده يك نفر میباشد. روز بعد یعنی روز اول تیر ماه از ساعت ۱۲ ظهر بپس نزد یکان و همسایگان و اهل محل بخانه معهود رفته و دور هم گرد می آیند سپس دوشیزه ای که ظرف را از آب بر نموده است باز بحال سکوت ظرف آب را از زیر درخت مورد برداشته بمحل اجتماع دوستان آورده در حالیکه پارچه سبزی دهانه ظرف را پوشانده است با یک دست شروع بیرون آوردن اشیايی که شب گذشته در آن ظرف انداخته شده است مینماید و با بیرون آوردن هر يك از آن اشیا یکی از حاضرین قطعه ای شعر یا قسمتی از غزلیات حافظ و ایات سعدی و سایر شعرار با آهنگ میخواند چیزی که از ظرف بیرون آمد طبق صورتیکه شب گذشته یادداشت شده است معلوم میگردد آن شیئی به نیت و شانس چه شخصی بوده و باشعری که خوانده شده است تفال میزند در اینگونه مواقع حاضرین سعی میکنند هر کدام بهترین شعری که میدانند بخوانند تعبیر و تفسیر شعر مزبور با آن کسی است که فال بنام او بیرون آمده است.

خلاصه پس از اجرای مراسم مزبور که همیشه با خنده و فریادهای شادی توأم است حاضرین بهم آب ریخته و جشن آب ریزان را بشوخی که ذکر شد برگزار مینمایند.

(۴) جشن تیرگان - سیزدهمین روز ماه تیر بمناسبت همنام بودن روز و ماه جشن گرفته میشود. یکی از وقایع تاریخی که باین روز نسبت داده شده تعیین مرز ایران و توران میباشد که با برتاب تیر بوسیله آرش یا ارخش Erexsha تیر انداز معروف آریایی بمحل آمد: مدتها بود که بین منوچهر پادشاه ایسران و افراسیاب شهریار توران بر سر تعیین حدود دو کشور جنک بود بطوریکه هر دو طرف از جنک خسته شده قرار گذاشتند آرش تیر انداز ماهر ایرانی تیری برتاب نماید هر کجا تیر فرود آمد آن محل را سرحد بین دو کشور قرار دهند.

بطوریکه تیر پشت مینویسد تیر انداز آریایی ارخش تیر را از کوه ائیر یو خشوت Aireyoxshutha بطرف کوه خوانونت Xvanvant برتاب نمود البته محل این دو کوه بطور تحقیق معلوم نشده است ولی ابوریحان بیرونی در آثار ابقیه دو کوه مزبور را در طبرستان و فرغانه ذکر نموده است بیرونی راجع بچشم تیرگان مینویسد: «پس از آنکه افراسیاب بمنوچهر غلبه نموده او را در طبرستان محاصره کرد برایین قرار دادند که حدود خاکی که از ایران باید بتوران برگزار گردد بواسطه برش و خط سیر تیری معین شود در این هنگام فرشته اسفندار مذ حاضر گشته امر کرد تا تیر و کمانی چنانکه در ابستایان شده برگزینند آنگاه آرش را که مرد شریف و حکیم و دینداری بود برای انداختن تیر بیاوردند آرش برهنه شده بدن خویش را به حضار نمود و گفت ای پادشاه و ای مردم بیدنم بنگرید مرا زخم و مرضی نیست ولی یقین دارم که پس از انداختن تیر قطعه قطعه شده فدای شما خواهم گردید پس از آن دست بچله کمان برد و بقوت خدا داد تیر از شصت رها کرد و خود جان تسلیم نمود. خداوند پیاد امر فرمود تا تیر را حفظ نماید آن تیر از کوه روبان (ناحیه ای در طبرستان) باقی نماند قطعه مشرق بفرغانه رسید و بریشه درخت گردکان که در دنیا بزرگتر از آن درختی نبوده نشست آن موضع را سرحد ایران و توران قرار دادند. گویند از آنجا یکه تیر برتاب شد تا با آنجا یکه فرو نشست شصت هزار فرسخ فاصله است. بنابراین جشن تیرگان بمناسبت صلح ایران و توران میباشد.»

در روضة الصفا راجع بچشم تیرگان و صلح بین افراسیاب و منوچهر از زبان افراسیاب مینویسد: «صلح مشروط بر اینکه آرش از کوه دماوند تیری بطرف مشرق اندازد هر جا فرود آمد آن محل را سرحد بین دو کشور قرار دهند پس آرش بر قلعه جبل دماوند رفته تیری بجانب مشرق افکنده از شصت رها کرد و آن تیر از وقت طلوع آفتاب تا نیمروز در حرکت بود و هنگام استوا بر کنار چیحون افتاد»

